

بررسی قانون ضد تروریسم انگلستان*

مهدی حاتمی** و محمود حاجی‌زاده***

چکیده

عدالت کیفری و رعایت اصول حقوق بشر در مبارزه با تروریسم، نقش بسیار مهمی در کارآمدی اقدامات کشورها و نهادهای دست‌اندرکار مبارزه با پدیده شوم تروریسم دارد. به همین لحاظ بررسی قانون ضد تروریسم انگلیس و انتقادات وارد بر آن می‌تواند حاوی پیام مهمی برای مدعیان مبارزه با تروریسم باشد. در این مقاله نویسندگان سعی در طرح مجدد اصول و قواعد حقوق بشر در مبارزه با تروریسم در چارچوب قانون ضد تروریسم انگلیس دارند. شایان ذکر است که استفاده از آرای دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر عمومی کمیته حقوق بشر ملل متحد در خصوص این موضوع، جایگاه خطیر و غیرقابل‌تخطی رعایت اصول حاکم بر مبارزه با تروریسم را تبیین نموده است.

*. Anti-Terrorism, Crime and Security Act (2001) (ATCSA).

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران.
*** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران.

مقدمه

امروزه پدیده تروریسم به یکی از مهمترین دغدغه‌های امنیتی ملتها و دولتها در سراسر جهان تبدیل شده است. رواج پدیده تروریسم منحصر به منطقه و یا دولتهای خاصی نیست، بلکه از کشورهای کوچک کمتر توسعه یافته تا بزرگترین قدرتهای دنیا به نحوی با این معضل امنیتی مواجه هستند. توجیحات تروریستها برای ارتکاب این اعمال و نیز نحوه مبارزه با تروریسم اگرچه اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد اما به نظر می‌رسد، هم تروریستها و هم مدعیان مبارزه با تروریسم خود را ملزم به رعایت اصول حقوق بشری نمی‌دانند.

این مقاله در پی آن است که روشن نماید قانون ضدتروریسم ۲۰۰۱ انگلیس که مدت اعتبار آن تا ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶ می‌باشد تا چه میزان با اصول و موازین حقوق بشری منطبق است و مشخص نماید که چگونه می‌توانیم میان نگرانیهای امنیتی دولتها در زمینه مبارزه با تروریسم از یک سو و رعایت اصول و موازین حقوق بشری از سوی دیگر تعادل برقرار نماییم.

در مبحث اول این مقاله به بررسی تعلیق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به موجب قانون ضدتروریسم صورت گرفته است می‌پردازیم و مشروعیت این اقدامات را براساس تعهدات انگلستان به موجب حقوق بین‌الملل و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

در مبحث دوم به ارزیابی صدور تأییدیه* توسط وزیر کشور و گروههای تروریستی که مشمول صدور تأییدیه از جانب وزیر کشور هستند می‌پردازیم.

در مبحث سوم تبعیض‌آمیز بودن این قانون از لحاظ حقوقی و عملی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در مبحث چهارم بازداشت مظنونان تروریستی را به موجب قانون ضد تروریسم مطرح می‌کنیم و مشخص می‌نماییم که قانون ضد تروریسم تا چه میزان با استانداردهای حقوق بشری از قبیل ضرورت تفهیم اتهام و معقول بودن مدت بازداشت سازگاری دارد.

در مبحث پنجم کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی** را که به موجب قانون ضدتروریسم به منظور تصمیم‌گیری در مورد مشروعیت تأییدیه صادره از جانب وزیر کشور ایجاد شده است از لحاظ اصول دادرسی منصفانه مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

در پایان دلایل مورد استفاده در رسیدگی به پرونده‌های تروریستی به موجب قانون ضدتروریسم را مورد بحث قرار می‌دهیم و در این خصوص به موضع دادگاههای انگلیس راجع به

*. Certification.

** . Special Immigration Appeal Commission (SIAC).

دلایل محرمانه اشاره می‌نماییم.

مبحث اول

تعلیق میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به موجب قانون ضد تروریسم

بند اول - طرح موضوع

بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پارلمان بریتانیا قانون ضد تروریسم را تصویب نمود. در فصل ۴ این قانون آیینی برای بازداشت مظنونان تروریست غیرانگلیسی، بدون اینکه حکم محکومیتی علیه آنها صادر شده باشد یا در واقع اتهاماتی علیه آنها مطرح شده باشد، در نظر گرفته شد. انگلستان براساس بخش (۱) ۳۰ این قانون اعلامیه‌های تعلیقی را به موجب ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ و ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ تنظیم نموده است.

بند دوم - علل توسل انگلستان به اعلامیه‌های تعلیقی

دلایلی را که دولت انگلستان برای توسل به اعلامیه‌های تعلیقی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطرح نموده به شرح ذیل می‌باشد:

۱. ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر:

«۱- در زمان جنگ یا وضعیت اضطراری عمومی دیگری که تهدیدکننده حیات ملت باشد، هر دولت معظم متعهد می‌تواند از تعهدات خودش به موجب این کنوانسیون تا میزانی که دقیقاً به وسیله مقتضیات آن وضعیت مورد نیاز باشد، عدول نماید مشروط به اینکه چنین اقداماتی با تعهدات دیگر آن به موجب حقوق بین‌الملل ناسازگار نباشد.

۲- هیچ تعلیقی نباید از ماده ۲، مگر در مورد مرگهای ناشی از اعمال مشروع جنگی، یا از مواد ۳-۴ (بند ۱) و ماده ۷ به موجب این مقرر انجام شود.

۳- هر دولت معظم متعهد که از حق تعلیق استفاده می‌کند باید دبیرکل شورای اروپا را به طور کامل از اقداماتی که انجام داده و دلایل استناد به این اقدامات مطلع نماید. آن دولت همچنین باید دبیرکل شورای اروپا را در زمانی که چنین اقداماتی متوقف شده‌اند و مقررات کنوانسیون مجدداً به طور کامل اجرا می‌شوند، مطلع نماید».

۲. ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی:

«۱- هر گاه یک خطر عمومی استثنائی (فوق‌العاده) موجودیت ملتی را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق را به میزانی که آن وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید اتخاذ نمایند مشروط بر اینکه تدبیر مزبور با سایر الزاماتی که طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

۲- حکم مذکور در بند فوق هیچ‌گونه انحراف از مواد ۶، ۷، ۸ (بندهای اول و دوم)، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ را تجویز نمی‌کند.

۳- دولت‌های طرف این میثاق که از حق تعلیق استفاده می‌کنند مکلفند بلافاصله سایر دولت‌های طرف میثاق را توسط دبیرکل ملل متحد از مقرراتی که از آن انحراف ورزیده و جهاتی که موجب انحراف شده است مطلع نمایند و در تاریخی که به این تعلیق خاتمه می‌دهند مراتب را به وسیله اعلامیه جدیدی از همان مجرا اطلاع دهند».

بررسی قانون ضد تروریسم ... ❖ ۱۴۵

۱- دلیل حقوقی: یکی از موانع بازگرداندن مظنونان تروریست غیرانگلیسی به کشور ملی‌شان امکان استناد به « اصل سوورینگ » یا « اصل عدم عودت »^۳ می‌باشد.^۴ « اصل سوورینگ » برآمده از رویه قضائی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که به موجب آن یک دولت عضو کنوانسیون نمی‌تواند شخص حاضر در سرزمین خودش را، در صورتی که آن شخص دلیل اساسی ارائه نماید که امکان دارد در کشور دیگر با خطر رفتار غیرمنطبق با برخی استانداردهای کنوانسیون مواجه شود، به کشور مزبور منتقل نماید.^۵ البته قضیه سوورینگ رفتار مغایر با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۶ را شامل می‌شود؛ با این حال حمایت‌های این اصل به مجازات اعدام و انکار آشکار دادرسی منصفانه نیز تعمیم می‌یابد.^۷

همچنین حمایت‌های ناشی از اصل سوورینگ به بند (و) ماده ۱^۸ و بند (۲) ماده ۳۳ کنوانسیون راجع به وضعیت پناهندگان^۹ ۱۹۵۱ نیز تعمیم می‌یابد زیرا این حمایتها هیچ‌گونه استثنائی را بر مبنای رفتار مظنونان نمی‌پذیرند.^{۱۰}

در بخش ۲۳ قانون ضدتروریسم از « اصل سوورینگ » به‌عنوان دلیل حقوقی برای عدم امکان انتقال مظنونین به کشور ملی‌شان یا هر کشور دیگری که متعهد به پذیرش آنها باشد، یاد شده است.^{۱۱}

3. Principle of Non-Refoulement.

4. Colin Warbrick, The European Response to Terrorism in an Age of Human Rights, EJIL, vol. 15, No. 5 (2004), p. 1007.

5. Soering v. UK, Series A, No. 161, para. 91.

۶. ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد».

7. Colin Warbrick, *op.cit.*, p. 1008.

۸. بند (و) ماده ۱ کنوانسیون راجع به وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱:

«مقررات این کنوانسیون در مورد اشخاصی که علیه آنها دلایل محکمی دال بر موارد زیر وجود داشته باشد مجری نخواهد بود:

الف- مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایت جنگی شده باشند (طبق تعاریف مندرج در اسناد بین‌المللی که برای پیش‌بینی مقررات مربوط به این جنایات تنظیم گردیده است).

ب- قبل از آنکه در کشور پناه‌دهنده به‌عنوان پناهنده پذیرفته شوند در خارج از آن کشور مرتکب جنایات مهمی که مشمول مجازات عمومی می‌باشد شده باشند.

ج- مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است، شده باشند».

۹. بند (۲) ماده ۳۳ کنوانسیون راجع به وضعیت پناهندگان:

«... اما پناهنده‌ای که براساس دلایل کافی حضورش برای امنیت کشوری که در آن به‌سر می‌برد خطرناک بوده یا طبق رأی قطعی دادگاه محکوم به ارتکاب جرم یا جنایت مهمی شده و مضر به‌حال جامعه آن کشور تشخیص داده شود، نمی‌تواند از مقررات مذکور در این ماده استفاده بنماید».

10. Colin Warbrick, *op.cit.*, p. 1008.

11. *Ibid.*, p. 1008.

۲- دلیل عملی: دلیل دیگری که برای عدم امکان انتقال مظلونین تروریستی به کشوری دیگر مطرح گردید وجود ملاحظات عملی بود؛ ملاحظاتی از قبیل فقدان روابط سیاسی با کشوری که انتقال باید به آنجا صورت بگیرد و یا اینکه انتقال به دلیل عدم ثبات در آن کشور عملاً امکان‌پذیر نباشد.^{۱۲}

۳- دلایل مصلحتی: سومین دلیلی که در خصوص عدم امکان انتقال اشخاص مظلون به تروریسم از جانب مقامات انگلیسی مطرح شده است، مربوط به مواردی است که اصولاً دولتی وجود دارد که مایل به پذیرش مظلونین می‌باشد و آن مظلونین نیز مایل هستند تا خاک انگلستان را ترک نمایند، ولی به دلیل آنکه احتمال دارد این اشخاص دارای اطلاعاتی باشند که بتواند برای اشخاصی که در کشور مقصد در صدد توسل به فعالیت‌های تروریستی علیه انگلستان هستند ارزشمند باشد، انتقال آنها به مصلحت نمی‌باشد.^{۱۳}

بدین ترتیب دولت انگلیس با وضعیتی روبرو بود که براساس آن اتباع غیرانگلیسی که دولت انگلستان به دست داشتن آنها در فعالیت‌های مخرب علیه امنیت ملی انگلستان مظلون بود، قابل تعقیب نبودند. به عبارت دیگر این دولت نه می‌توانست آنها را به دولت دیگری منتقل نماید و نه این امکان وجود داشت تا آنها را به‌موجب حقوق موجود به‌عنوان مظلونان به جرم یا به‌عنوان اشخاص در انتظار اخراج بازداشت نماید.

بنا به دلایل فوق، قانون ضدتروریسم ۲۰۰۱ اختیار بازداشت را مطرح نمود و به‌خاطر اینکه ممکن بود این نوع بازداشت (بازداشت بدون چشم‌انداز فوری انتقال یا بازداشت پیشگیرانه) با بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۱۴} و ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

12. *Ibid.*, p. 1010.

13. *Ibid.*, p. 1008.

۱۴. بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر:

«همه افراد حق دارند که از آزادی و امنیت برخوردار باشند. هیچ‌کس را نمی‌توان از آزادی‌اش محروم ساخت مگر در موارد ذیل و طبق روش‌های قانونی:

(I) چنانچه کسی پس از اعلام محکومیت از جانب دادگاه صالح به روشی قانونمند زندانی شده باشد؛

(II) در صورتی که شخصی به‌علت عدم پیروی از قرار قانونی دادگاه یا به‌منظور تضمین اجرای تعهدی قانونی، توقیف یا حبس قانونمند شود؛

(III) هنگامی که دلایل موجهی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه شخصی مرتکب جرمی شده یا اینکه دلایل معقولی، این تصور را بوجود آورد که ضرورت ایجاب می‌کند برای جلوگیری از ارتکاب جرم یا ممانعت از فرار پس از ارتکاب جرم، شخص را، به‌منظور هدایت نزد مقام صالح قضائی دستگیر و حبس کرد؛

(IV) چنانچه فرد صغیری با هدف نظارت بر تعلیم و تربیت او و یا جهت حضور نزد مقام صالح قضائی به‌طور قانونمند حبس شده باشد؛

(V) در صورتی که شخص، مبتلا به یک بیماری مسری بوده و احتمال سرایت آن داده شود و یا از جمله افراد روانی، الکلی، معتاد و یا ولگرد باشد؛

سیاسی^{۱۵} مغایرت پیدا کند، یک اعلامیه تعلیقی به موجب بخش ۳۰ قانون ضد تروریسم^{۱۶} در چارچوب ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی صادر گردید.

اگرچه به موجب قانون مهاجرت ۱۹۷۱ انگلیس اختیار وسیعی به مقامات انگلیسی برای بازداشت شخص غیرانگلیسی که حضور او در انگلستان بنا به دلایل امنیت ملی مساعد نیست داده شده،^{۱۷} لیکن دیوان استیناف، بازداشت فردی که باید اخراج شود بدون آنکه هیچ‌گونه چشم‌انداز روشنی از انتقال او وجود داشته باشد را نامشروع دانسته است.^{۱۸}

بند سوم - ارزیابی مشروعیت تعلیق صورت گرفته از جانب انگلستان

در خصوص مشروعیت تعلیق صورت گرفته از سوی انگلستان، هم کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی و هم دیوان استیناف انگلیس طی احکام جداگانه‌ای بر وجود یک وضعیت اضطراری عمومی که تهدیدکننده حیات ملت است صحنه گذارده‌اند.^{۱۹} در هر حال لردهای حقوقدان پارلمان انگلیس در مورد وجود یک وضعیت اضطراری و اینکه آیا تعلیق در این مورد دقیقاً مورد نیاز

VI) زمانی که دستگیری یا حبس قانونمند برای جلوگیری از ورود و نفوذ غیرقانونی به خاک و قلمرو یک کشور صورت گیرد، یا در مورد شخصی اجرا شود که دادرسی اخراج یا استرداد از کشور درباره او در جریان باشد...».

۱۵. ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی:

«۱- هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) نمود. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهت و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون.

۲- هر کس دستگیر می‌شود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اخطار به‌ای دایر به هرگونه اتهامی که به او نسبت داده شده، دریافت نماید.

۳- هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) می‌شود باید او را در اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قاعده کلی باشد لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هایی شود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضائی و حسب مورد برای اجرای حکم تأمین نماید.

۴- هر کس بر اثر دستگیری یا بازداشت (زندانی) شدن از آزادی محروم شود حق دارد که به دادگاه تظلم نماید به این منظور که دادگاه بدون تأخیر راجع به قانونی بودن بازداشت اظهار رأی بکند و در صورت غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی او را صادر کند.

۵- هر کس که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد حق جبران خسارت خواهد داشت.».

۱۶. بند (الف) ۱ بخش ۳۰ قانون ضد تروریسم:

«تعلیق توسط انگلستان از بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که به بازداشت یک شخص در مواقعی که قصد انتقال یا اخراج او از انگلستان وجود دارد، اتخاذ می‌شود.».

17. Immigration ACT (1971), S. 5 (3).

18. Collin Warbrick, *op.cit.*, p. 1008.

19. Oonagh Sands, British Prevention of Terrorism Act 2005, ASIL, p. 2.

می‌باشد یا خیر اختلاف نظر دارند.^{۲۰}

از نظر لرد بینگهام در این خصوص یک «وضعیت اضطراری عمومی» وجود دارد. او معتقد است که کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی فی‌نفسه در مورد این موضوع قانونی دچار گمراهی نشده است.^{۲۱} مطابق رویه قضائی اروپایی این امر در اختیار دولت بریتانیاست تا تصمیم‌گیری نماید که آیا یک وضعیت اضطراری وجود دارد یا خیر؛ و این تصمیم بیشتر سیاسی بوده است تا حقوقی.^{۲۲}

در تأیید نظریه لرد بینگهام، دیوان اروپایی حقوق بشر، اختیار وسیع ارزیابی را برای دولتها در نظر گرفته است تا تعیین نمایند که آیا تمهیدات تعلیقی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مناسب‌ترین یا مقتضی‌ترین تمهیدات هستند یا خیر. برای نمونه دیوان در یک قضیه چنین اظهار نموده است:

«دیوان یادآوری می‌کند که این امر بر عهده هر دولت متعاقد است تا تعیین نماید که آیا حیات ملت به‌وسیله یک وضعیت اضطراری عمومی تهدید شده است یا خیر و اگر این‌گونه است، چه میزان لازم است تا در تلاش برای غلبه بر این وضعیت اضطراری حرکت نماید. به دلیل تماس مستقیم و مستمر مقامات ملی با نیازهای میرم زمان، آنها علی‌الاصول در مقایسه با قاضی بین‌المللی در وضعیت بهتری قرار دارند، تا هم در مورد وجود یک چنین وضعیت اضطراری و هم در مورد ماهیت، قلمرو و تعلیقات ضروری برای دفع آن تصمیم‌گیری نمایند. مسلماً در این مورد باید یک محدوده وسیع ارزیابی برای مقامات ملی در نظر گرفته شود».^{۲۳}

با وجود این، اعلامیه‌های تعلیقی صورت گرفته از سوی انگلستان به‌موجب قانون ضدتروریسم با انتقاداتی روبه‌روست؛ از جمله رویه تبعیض‌آمیز انگلستان در این باره باعث شده تا تمهیدات مندرج در فصل ۴ قانون ضدتروریسم تنها به مظنونان تروریستی بیگانه اعمال شود که این امر در مغایرت آشکار با بند (۱) ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۲۴} می‌باشد. همچنین به‌موجب تفسیر عمومی شماره ۲۹ کمیته حقوق بشر (۲۰۰۱)،^{۲۵} اگرچه ماده

20. *Ibid.*, p. 2.

21. *Ibid.*, p. 2.

22. *Ibid.*, p. 2.

23. Ireland v. UK, 18 January 1978, Series A, No. 15, pp. 78-79, para. 207.

۲۴. «... کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق اتخاذ نمایند مشروط بر اینکه تدابیر مزبور منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود».

۲۵. کمیته حقوق بشر ارگانی است که به‌موجب ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌منظور نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در میثاق توسط دولتهای عضو بوجود آمده است.

۲۶ ماده و مقررات میثاق در خصوص عدم تبعیض (یعنی بند (۱) ماده ۲، ماده ۳، بند (۱) ماده ۱۴، بند (۴) ماده ۳۳، بند (۱) ماده ۲۴، ۳۱ و ماده ۲۵) در میان مقررات غیرقابل تعلیق در بند (۲) ماده ۴ ذکر نشده‌اند، اما تحت هیچ شرایطی مقررات مربوط به عدم تبعیض را نمی‌توان تعلیق کرد.^{۳۳}

انتقاد دیگری که بر این قانون وارد است آن است که بسیاری از تدابیری که دولت بریتانیا به موجب قانون ضد تروریسم اتخاذ کرده، در خارج از دامنه تعلیق صورت گرفته توسط انگلستان (بند (۱) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) قرار می‌گیرد و بدین ترتیب با تعهدات بین‌المللی آن دولت در تعارض است. البته در مباحث بعدی این تدابیر بیشتر مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۲۶. ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «۱- کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند».

۲۷. بند (۱) ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیتها محترم شمرده و تضمین بکنند».

۲۸. ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند».

۲۹. بند (۱) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «همه در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری متساوی هستند. هر کس حق دارد به اینکه به دادخواهی او منصفانه و علنی در یک دادگاه صالح مستقل و بی‌طرف تشکیل شده طبق قانون رسیدگی بشود و در آن دادگاه درباره حقایق اتهامات جزایی علیه او یا اختلافات راجع به حقوق و الزامات او در امور مدنی اتخاذ تصمیم بنماید...».

۳۰. بند (۴) ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «دولتهای طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج، [این دولتها] پیش‌بینی‌هایی برای تأمین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد».

۳۱. بند (۱) ماده ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب یا نسب حق دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و جامعه و حکومت کشور او باید به عمل آید برخوردار گردد».

۳۲. ماده ۲۵: «هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیر معقول:

(الف) در اداره امور عمومی توسط مباشر، یا به واسطه نمایندگان که آزادانه انتخاب شوند شرکت نماید.

(ب) در انتخابات ادواری که از روی صحت به آرای عمومی مساوی و مخفی انجام شود و تضمین کننده بیان آزادانه اراده انتخاب کنندگان باشد رأی بدهد و انتخاب شود.

(ج) با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود نایل شود».

33. Generl Comment, No. 29, States of Emergency, (Art. 4), CCPR/ C/ 21/ Rev.1/ Add. 11, 31 August 2001, para. 8.

مبحث دوم تأییدیه

بند اول - ارزیابی صدور تأییدیه از جانب وزیر کشور

بخش ۲۱ قانون ضدتروریسم اختیار صدور تأییدیه (گواهینامه) را در صورتی که وزیر کشور به‌طور معقولی معتقد باشد حضور یک شخص در انگلستان تهدیدکننده امنیت ملی است و یا مظنون باشد که این شخص یک تروریست بین‌المللی است به وی اعطاء می‌نماید.^{۳۴}

در بخش ۱ قانون تروریسم سال ۲۰۰۰،* مفهوم بسیار وسیعی برای تروریسم در نظر گرفته شده است. به‌موجب آن قانون، تروریسم تنها به اقدام علیه انگلستان محدود نمی‌شود، بلکه به هر اقدام طراحی شده برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست هر دولت در هر جای دنیا تروریسم اطلاق می‌شود. به‌موجب بخش ۲۱(۴) قانون ضدتروریسم سال ۲۰۰۱ تعریف ارائه شده در بخش ۱ قانون تروریسم ۲۰۰۰ به این قانون نیز تسری می‌یابد. در این قانون اختیار محدود کردن حقوق فردی به یک مقام اجرایی (وزیر کشور) اعطاء شده است، درحالی‌که قاعداً این امر باید با مجوز یک نهاد قضائی صورت گیرد، زیرا اصولاً ضامن صیانت از حقوق فردی در هر کشوری قوه قضائیه آن کشور است و هرگونه تحدید این حقوق باید با اجازه آن نهاد صورت گیرد.^{۳۵}

بند دوم - گروه‌های تروریستی مشمول صدور تأییدیه از جانب وزیر کشور

به‌موجب بخش (الف)(۳) ۲۱ قانون ضدتروریسم یک گروه تروریستی برای آنکه مشمول این قانون قرار گیرد، باید تحت کنترل یا اعمال نفوذ اشخاصی خارج از انگلستان باشد. یک تروریست صرفاً شخصی نیست که مستقیماً در تروریسم بین‌المللی وارد شده است بلکه شخصی را که «عضو یا متعلق به یک گروه تروریستی بین‌المللی است» یا «ارتباطاتی» با یک چنین گروهی دارد نیز شامل می‌شود. یک شخص تنها زمانی دارای ارتباطات با یک گروه تروریستی بین‌المللی است که «آن گروه تروریستی را حمایت یا مساعدت نماید».^{۳۶} این شرط به‌خاطر آن گنجانده شده تا کسانی را که از اهداف این گروه طرفداری می‌کنند یا خودشان را در آن اهداف سهیم می‌دانند بدون آنکه ابزارهای آن گروه را برای رسیدن به آن اهداف تأمین نمایند مستثنا

34. Colin Warbrick, *op.cit.*, p. 1009.

*. Terrorsim Act (2000).

۳۵. اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

36. Colin Warbrick, *op. cit.*, p. 1009.

کند.^{۳۷} در واقع این محدودیت ضروری به منظور انطباق با مواد ۱۰ و ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اتخاذ شد.^{۳۸}

در زمان تصویب این قانون دادستان کل انگلستان اظهار داشت: «مطابق معیار مندرج در ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اقدامات تهدیدآمیز تهدیدهایی است که نسبت به حیات ملت از جانب القاعده و متحدین آن نشأت گرفته‌اند».^{۳۹}

بنابراین قانون ضدتروریسم تنها تهدید از جانب بیگانگان مظنون به داشتن ارتباط با القاعده یا شبکه‌های متحد آن را مهار کرده است. این امر در قضیه (M) نیز تأیید شده است. (M) یک عضو مخالف لیبیایی ضد قذافی بود که در انگلستان اقامت داشت. در سال ۲۰۰۲ به دلیل عدم امکان بازگرداندن او به لیبی به علت خطری که نسبت به امنیت او در صورت بازگشت وجود داشت، به دستور وزیر کشور بازداشت شد. در ۸ مارس ۲۰۰۴، کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی تشخیص داد که هیچ‌گونه قرینه‌ای وجود ندارد تا از یک سوءظن معقول حمایت نماییم که حضور (M) در انگلستان یک تهدید نسبت به امنیت ملی است.^{۴۰} دیوان استیناف نیز رأی کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی را تأیید نمود.^{۴۱}

مبحث سوم

تبعیض‌آمیز بودن قانون ضدتروریسم

بند اول - غیرقابل توجیه بودن تبعیض اعمال شده از لحاظ حقوقی

بخش ۲۲ قانون ضدتروریسم اجازه می‌دهد تا هر یک از احکام قانون مهاجرت (۱۹۷۱) که می‌تواند به عدم ورود و یا انتقال یک شخص از انگلستان منجر شود علیه یک تروریست بین‌المللی مظنون اتخاذ شود، اگرچه این حکم نتواند بنا به دلایل حقوقی یا عملی به انتقال یک شخص از انگلستان منتج شود.^{۴۲} گنجاندن یک عنصر قانون مهاجرت به این تمهید، بدین معناست که قانون ضدتروریسم تنها به کسانی که تبعه انگلستان نیستند اعمال خواهد گردید.^{۴۳} یکی دیگر از ایراداتی که به این قانون وارد می‌باشد تبعیض‌آمیز بودن بخش ۲۲ این

37. *Ibid.*, p. 1009.

38. *Ibid.*

39. *Ibid.*, p. 1012.

40. M v. Secretary of State for the Home Department, SIAC. SC/17/ 2002.

41. Colin Warbrick, *op.cit.*, p. 1012.

42. *Ibid.*, p. 1009.

43. *Ibid.*

قانون است؛ زیرا این قانون تنها نسبت به اتباع غیرانگلیسی اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، با وجود خطری که از جانب اتباع انگلیسی وجود دارد این امکان به موجب قانون ضد تروریسم موجود نیست تا بتوان شکایاتی را بنا به همان دلایلی که برای بازداشت‌های غیرملی وجود دارد علیه آنها اقامه نمود.^{۴۴}

ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۴۵} تبعیض را چه در قانون و چه در عمل در هر زمینه تنظیم شده یا مورد حمایت مقامات عمومی منع می‌نماید.^{۴۶} بنابراین ماده ۲۶ به تعهدات تحمیل شده بر دولتهای عضو در رابطه با قانون و اعمال آن مربوط می‌شود؛ از این رو زمانی که قانونی توسط یک دولت عضو وضع می‌شود، آن قانون باید شرط مندرج در ماده ۲۶ را که محتوای آن نباید تبعیض‌آمیز باشد برآورده نماید.^{۴۷} همچنین اصل عدم تبعیض در ماده ۱۴۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۴۸} نیز تصریح شده است. بنابراین رویه دولت انگلستان در اعمال تبعیض میان شهروندان بریتانیایی و غیربریتانیایی در مغایرت با ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد.

بند دوم - غیر قابل توجیه بودن تبعیض اعمال شده از لحاظ عملی

وزیر کشور بریتانیا بیان داشته که تهدید از جانب گروه‌های تروریستی مرتبط با القاعده عمدتاً از طرف بیگانگان است، ولی دلایل عمده‌ای وجود دارد که این قضیه اکنون صحت ندارد.^{۴۹} برای نمونه بمب‌گذاریه‌های انتحاری که در می ۲۰۰۳ در انگلستان توسط اتباع بریتانیایی به وقوع پیوست ثابت نمود که تهدید از جانب شهروندان انگلیسی نیز جدی است.^{۵۰} علاوه بر این، براساس آمارها تقریباً ۳۰ درصد مظنونان قانون تروریسم ۲۰۰۰ در سال گذشته (۲۰۰۲) بریتانیایی بوده‌اند.^{۵۱}

44. *Ibid.*

۴۵. رک. زیرنویس شماره ۲۶.

46. General Comment, No. 18, 10/11/89 (Art.26), para. 12.

47. *Ibid.*, para. 12.

۴۸. ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «برخورداری از حقوق و آزادیهای مندرج در این کنوانسیون باید بدون هیچ‌گونه تبعیضی بنا به هر دلیلی از قبیل جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، ریشه ملی یا اجتماعی، تعلق به یک اقلیت ملی، مکتب، نسب یا وضعیتهای دیگر تأمین شود».

49. Privy Counsellor Review Committee, Anti-Terrorism, Crime and Security Act 2001 Review, 18th December 2003, www.Statewatch.Org/news/2003/doc/atcs Report.Pdf, p. 33, para. 193.

50. *Ibid.*, p. 54, para. 193.

51. *Ibid.*

مبحث چهارم بازداشت مظنونان تروریستی به موجب قانون ضد تروریسم

بند اول - نادیده گرفتن ضرورت تفهیم اتهام در زمان بازداشت

به موجب بخش ۲۳ قانون ضد تروریسم، وزیر کشور می‌تواند اشخاص مظنون به فعالیت‌های تروریستی را در صورتی که امکان اخراج آنها بنا به دلایل حقوقی یا عملی وجود نداشته باشد بازداشت نماید. همچنین مظنونانی که تحت بازداشت قرار می‌گیرند، با هیچ‌گونه اتهام خاصی مواجه نمی‌شوند و همه دلایل، علیه آنها ارائه نمی‌شود، به علاوه فرصت رد آن دلایل نیز به آنها داده نمی‌شود.^{۵۲} این امر اساساً یک محدودیت مهم در فرآیند رسیدگی ترافعی است و خطر جریان سوء قضائی را افزایش می‌دهد.^{۵۳} این رویه با تعهدات بین‌المللی انگلستان در خصوص ضرورت تفهیم اتهام در زمان بازداشت، مندرج در بند (۲) ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند (۲) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۵۴} نیز معارض می‌باشد.

علاوه بر این، ضرورت تفهیم اتهام در رویه قضائی دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه در قضیه‌ای که خانمی به نام مارگارت مورای توسط نظامیان در منزلش بدون اینکه آنها علت بازداشت را به وی اطلاع دهند دستگیر شده بود، کمیسیون اروپایی حقوق بشر بعد از شکایت خانم مارگارت مورای علیه انگلستان در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۱ دادخواست او را قابل پذیرش دانست و موضوع را از موارد اعمال بند (۲) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی کرد.^{۵۵}

بند دوم - نامعین بودن مدت بازداشت

به موجب بخش ۲۳ قانون ضد تروریسم وزیر کشور می‌تواند اشخاص مظنون به فعالیت‌های تروریستی را برای مدتی نامعین بازداشت نماید. در مورد اینکه آیا بازداشت نامعین می‌تواند منجر به شکنجه یا رفتار غیرانسانی در مغایرت با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۵۶} یا ماده

52. *Ibid.*, p. 52, para. 187.

53. *Ibid.*

۵۴. بند (۲) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر فرد بازداشتی باید در کوتاه‌ترین مهلت و به زبانی که آن را متوجه می‌شود از علل دستگیری و اتهامات وارد بر خود مطلع شود».

۵۵. دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، نشر گرایش، چ اول، فروردین ۸۳، ص ۳۰۷.

۵۶. رک. زیرنویس شماره ۶.

۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۵۷} گردد، تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق بشر در سال ۱۹۹۲ اظهار می‌دارد: «کمیته خاطر نشان می‌کند که محدودیت انفرادی طولانی مدت شخص بازداشتی یا زندانی می‌تواند منتهی به اعمال ممنوعه به موجب ماده ۷ یعنی منع شکنجه یا رفتارهای ظالمانه و غیرانسانی گردد».^{۵۸} همچنین در همان تفسیر عمومی مقرر شده است: «قصد مقررات ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این است تا هم از حیثیت و هم از تمامیت جسمی و ذهنی شخص حمایت نماید...».^{۵۹} علاوه بر این، ممنوعیت مندرج در ماده ۷ میثاق مذکور نه تنها به اعمالی که سبب رنج جسمانی می‌شوند بلکه به اعمالی که سبب رنج روحی به قربانی می‌شوند نیز مرتبط است.^{۶۰}

حتی اگر معتقد باشیم که بازداشت طولانی مدت (نامعین) بر تمامیت جسمانی بازداشت‌شدگان تأثیر چندانی ندارد، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد، این نوع بازداشت بر تمامیت روحی بازداشت‌شدگان مؤثر بوده است.

در ۹ ژوئن ۲۰۰۵ کمیته اروپایی پیشگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز (CPT)^{۶۱} به درخواست دولت انگلیس، گزارش خود در مورد بازدید از انگلستان در مارس ۲۰۰۴ را منتشر نمود. این کمیته بر رفتار با اشخاص بازداشت شده به موجب قانون ضد تروریسم ۲۰۰۱ متمرکز شد و توجه خاصی را به تأثیر شرایط بازداشت بر سلامت جسمی و روحی بازداشت‌شدگان معطوف نمود. این گزارش اظهار می‌دارد:

«تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان در وضعیت روحی نامطلوب، به‌عنوان نتیجه‌ای از بازداشت خودشان، به سر می‌برند و همچنین بعضی در شرایط نامطلوب جسمانی بودند. بازداشت سبب اختلالات روحی در اکثریت بازداشت‌شدگان شده است زیرا بازداشت با فقدان کنترل قضائی ناشی از خصیصه نامعین بودن بازداشت آنها و این حقیقت که اطلاعی ندارند که چه دلیلی علیه آنها مورد استناد واقع شده تا نشان دهد که این اشخاص مظنون به تروریسم بین‌المللی می‌باشند، آمیخته شده است». در ادامه کمیته تشخیص داد که «برای بعضی از بازداشت‌شدگان،

۵۷. ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هیچ‌کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تردیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایشهای پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است».

58. General Comment No. 20 (Art. 7), 1992, para. 6.

59. *Ibid.*, para. 2.

60. *Ibid.*, para. 5.

۶۱. این کمیته به‌موجب کنوانسیون اروپایی پیشگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز ۱۹۸۷ ایجاد شده است. وظیفه آن این است تا از طریق بازدیدهای سرزده، رفتار با اشخاص محروم از آزادی‌شان را بررسی نماید، به‌منظور آنکه حمایت از چنین اشخاصی را در مقابل شکنجه و رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز، در صورت ضرورت، تضمین نماید.

وضعیت آنها در زمان بازدید را می‌توان منتهی به رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز در نظر گرفت».^{۶۲}

بنابراین حتی با خوش‌بینانه‌ترین دیدگاه، نامعین بودن مدت بازداشت حداقل به آسیب روحی و روانی در مغایرت با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌انجامد. احترام به حیثیت ذاتی افراد در زمان بازداشت از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر حتی در موارد تروریستی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. برای نمونه دیوان در قضیه "Chahal" چنین اظهار می‌کند:

«دیوان به‌خوبی از دشواری‌های عمده فراروی دولتها در عصر جدید برای حمایت از جوامع خودشان از خشونت تروریست آگاه است. در هر حال، حتی در این اوضاع و احوال، کنوانسیون در شرایط مطلقاً شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز را بدون توجه به رفتار قربانی ممنوع می‌نماید».^{۶۳}

همچنین تفسیر عمومی شماره ۲۱ کمیته حقوق بشر (۱۹۹۲) اظهار می‌دارد: «رفتار با همه اشخاص محروم از آزادی توأم با انسانیت و احترام به حیثیتشان یک قاعده بنیادین و قابل اعمال در سطح جهانی است».^{۶۴}

مدت زمان بازداشت‌هایی که به‌موجب بخش ۲۳ قانون ضدتروریست انجام می‌شوند، براساس شواهدی تا سه سال و نیم به طول انجامیده است.^{۶۵}

معیاری که برای طول مدت بازداشت در بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۶۶} و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر در نظر گرفته شده، مهلت معقول است. مهلت معقول مفهومی است که می‌تواند از پرونده‌ای به پرونده دیگر، با توجه به ویژگی‌های خاص هر پرونده متفاوت باشد.^{۶۷} رویه دیوان اروپایی حقوق بشر درخصوص ارزیابی معقول بودن مدت بازداشت آن

62. Report to the Government of the United Kingdom on the Visit to the United Kingdom Carried out by the European Committee for the Preventive of Torture and Inhuman Treatment or Punishment (CPT) From 14 to 19 March 2004, (PT) Inf (2005) 10 (9 June 2005).

63. Chahal v. UK, 15 November 1996, para. 79.

64. General Comment No. 21 (Art. 10), 10/04/92, para. 4.

65. براساس شواهدی تقریباً ۱/۵ سال بین بازداشت و استماع استیناف نزد کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی و تقریباً ۲ سال نیز تا صدور حکم در مورد این استیناف از طرف کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی سپری می‌شود. رک. Privy Counsellor Review Committee, *op.cit.*, para. 197.

66. بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر کس که در شرایط مندرج در جزء سوم بند (۱) ماده ۵ دستگیر یا بازداشت شده باشد باید بلافاصله نزد قاضی یا مقام قضائی که قانوناً صلاحیت اقدامات قضائی را دارا باشد، مشایعت شود. چنین شخصی حق دارد در مهلتی معقول مورد محاکمه قرار گیرد یا آزاد شود».

67. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت، چ دوم، تابستان ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۳.

است که بر دلایل ارائه شده از سوی مقامات ملی برای توجیه سلب آزادی از متهم تأکید می‌نماید.^{۶۸} در رأی ومهوف^{۶۹} علیه جمهوری فدرال آلمان، دیوان به‌صراحت بیان می‌دارد که «شیوه ارزیابی کمیسیون را پذیرا نیست»^{۷۰} و معتقد است که قبل از طرح دعوا نزد نهادهای استراسبورگ (دیوان و کمیسیون اروپایی حقوق بشر) باید ادعای نقض بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در داخل کشورهای عضو و با مراجعه به مقامات ذی‌صلاح دولت متعاقد مطرح و به تصمیمی قطعی منجر شده باشد، چه در واقع امر، این بر عهده مقامات قضائی هر کشور است که با توجه به دلایل موجود، بازداشت موقت متهم را در هر مورد با استناد به وجود نفعی عمومی توجیه کنند و دقیقاً با عنایت به دلایل ابرازی از سوی مقامات قضائی ملی است که دیوان قادر است نسبت به نقض احتمالی بند (۳) ماده ۵ آن کنوانسیون اظهار نظر کند.^{۷۱} در رأی نومایستر^{۷۲} نیز دیوان بر ضرورت توجیه بازداشت موقت از طرف مقامات داخلی کشورهای عضو تأکید می‌ورزد و اضافه می‌کند که دیوان فقط در پرتو دلایل ابرازی از طرف مقامات قضائی داخلی از یک‌سو و واقعیت‌های مورد تأیید خواهان، از سوی دیگر، قادر است نسبت به بررسی این امر که آیا نقض بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون مزبور صورت پذیرفته است یا خیر، اظهار عقیده کند.^{۷۳} با وجود اینکه قانون ضدتروریسم، مدتی را برای بازداشت تعیین ننموده ولی در هر حال به میزان زیادی این احتمال وجود دارد که مدت بازداشت از مهلت معقول به‌موجب بند (۳) ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر تجاوز نماید و با آنها معارض گردد. این موضوع زمانی بیشتر مورد تأیید قرار می‌گیرد که مطابق با تفسیر عمومی شماره ۸ کمیته حقوق بشر «بازداشت پیش از محاکمه، یک امر استثنائی است و باید تا حد ممکن کوتاه باشد».^{۷۴}

علاوه بر این، کمیته امحای تبعیض نژادی^{۷۵} نیز نگرانی خود را از مقررات قانون ضدتروریسم در خصوص بازداشت نامعین بدین نحو ابراز می‌دارد:

۶۸. دکتر آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص ۳۱۷.

69. Wemhoff.

۷۰. نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر از خلال تصمیمات متعدد بر این بوده است که «مهلت معقول» مفهومی است که فقط با لحاظ اوضاع و احوال در هر مورد خاص باید بررسی شود (دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص ۳۱۶).

۷۱. همان، ص ۳۱۷.

72. Neumeister.

۷۳. دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص ۳۱۷.

74. General Comment No.8 (Art. 9) 30/06/82, CCR, para. 3.

۷۵. کمیته امحای تبعیض نژادی ارگانی است که بر اساس ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی به‌منظور تضمین اجرای مقررات این کنوانسیون ایجاد شده است.

« کمیته عمیقاً در مورد مقررات قانون ضد تروریسم که بازداشت نامعین و بدون اتهام یا محاکمه اتباع غیرانگلیسی در انتظار اخراج را که مظنون به فعالیتهای تروریستی هستند مقرر می‌کند، نگران شده است. کمیته در عین حالی که نگرانیهای امنیت ملی این دولت عضو را تصدیق می‌نماید، توصیه می‌کند که این دولت عضو، تعادل بین آن نگرانیها را با حمایت از حقوق بشر و تعهدات حقوقی بین‌المللی خودش مدنظر قرار دهد».^{۷۶}

با توجه به انتقاداتی که از رژیم بازداشت نامعین به موجب قانون ضد تروریسم به عمل آمد، نهایتاً در دسامبر ۲۰۰۴ کمیته قضائی مجلس لردهای انگلیس با اکثریت هشت موافق در برابر یک مخالف حکم داد که بازداشت نامعین مظنونان با قانون حقوق بشر انگلستان و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مغایر است.^{۷۷} بنابراین، با توجه به مطالب فوق قائل شدن مدت نامعین برای بازداشت به موجب قانون ضد تروریسم با موازین عدالت و تعهدات بین‌المللی انگلستان ناسازگار است.

مبحث پنجم

ارزیابی کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی از منظر اصول دادرسی منصفانه

بند اول - دلایل ایجاد کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی

کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی ابتدائاً به وسیله قانون کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی ۱۹۹۷^{۷۸} متعاقب رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه «چاهال» علیه انگلستان (۱۹۹۶) به دلیل انتقاد از فقدان یک مرحله استیناف نزد دادگاه مستقل در حقوق انگلیس، در صورتی که یک تصمیم مهاجرتی (از قبیل رد اجازه اقامت یا تصمیم به اخراج یک شخص) بر دلایل امنیت ملی یا سیاسی مبتنی باشد، ایجاد شد.^{۷۹}

به موجب بخش ۲۵ قانون ضد تروریسم، یک تروریست مظنون بین‌المللی می‌تواند به کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی در خصوص تأییدیه صادره علیه خودش مطابق با بخش ۲۱

76. Concluding Observations of the Committee on the Elimination of Racial Discrimination: United Kingdom/CERD/C/63/Co/11, paras.17, 21.

77. Rightswatch, UK: Law Lords Rule Indefinite Detention Breaches Human Rights, p.1, www.hrw.org.

78. Special Immigration Appeal Commission Act, 1997.

79. Privy Counsellor Review Committee, *op.cit.*, para.176.

شکایت نماید و این کمیسیون موظف است تا رسیدگی نماید که آیا دلایل معقولی برای سوءظن یا اعتقاد وزیر کشور به موجب بخش (۱) ۲۱^{۸۰} وجود دارد که حضور آن شخص در انگلستان تهدیدی علیه امنیت ملی می‌باشد و اینکه آیا آن شخص یک تروریست بین‌المللی می‌باشد یا خیر؟^{۸۱}

بند دوم - میزان احترام به حقوق دفاعی متهم در کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی

ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۸۲} که با عبارت « هر شخص حق دارد...» آغاز می‌شود، ضوابط ناظر بر یک دادرسی منصفانه را ارائه می‌دهد؛ از این موضوع چنین نتیجه گرفته می‌شود که تمامی اشخاص، از هر قشر و گروهی شایستگی برخوردار از چنین دادرسی را دارند. دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه‌ای معروف به «لالس»^{۸۳} علیه کشور ایرلند کلیتی که بند (۱) از ماده ۶ ناظر بر آن است را مدنظر قرار داده است. در این قضیه فردی ایرلندی به نام لالس که عضو ارتش جمهوریخواه ایرلند بود از ۳ ژوئیه تا ۱۱ دسامبر ۱۹۷۵ به مدت ۶ ماه به

۸۰. بخش (۱) ۲۱ قانون ضد تروریسم: «وزیر کشور می‌تواند تأییدیه‌ای را به موجب این بخش در رابطه با یک شخص صادر نماید در صورتی که به‌طور معقولی،
الف) معتقد باشد که حضور این شخص در انگلستان یک خطر (تهدید) برای امنیت ملی است.
ب) مظنون باشد که این شخص یک تروریست است.»

81. Privy Counsellor Review Committee, *op.cit.*, para. 178.

۸۲. ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «۱. همه اشخاص حق دارند که به دعوی‌شان توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف، که طبق موازین قانونی ایجاد شده باشد، به‌طور منصفانه، علنی و در مهلتی معقول رسیدگی شود. دادگاه مزبور باید چه در خصوص اعتراضات مربوط به حقوق و الزامات مدنی اشخاص و چه درباره صحت هر نوع اتهام وارد بر آنان، در امور کیفری، اتخاذ تصمیم نماید. رأی دادگاه باید به‌طور علنی اعلام شود، اما می‌توان - در صورتی که منافع صغار یا حمایت از حریم زندگی خصوصی اصحاب دعوا، یا در صورتی که دادگاه تشخیص دهد که در شرایط خاص، خصیصه علنی بودن به ضرر منافع عدالت خواهد بود- از حضور روزنامه‌نگاران و عموم مردم در جلسات دادرسی، جهت رعایت اخلاق و نظم عمومی یا حفظ امنیت ملی در یک جامعه دموکراتیک، ممانعت به‌عمل آورد.»

۲. فرض بر این است که تمامی اشخاص متهم به ارتکاب جرم تا زمانی که مجرمیت ایشان به‌طور قانونی اثبات شود بی‌گناه محسوب می‌شوند.

۳. هر متهمی بویژه حق دارد که

الف) در کوتاه‌ترین مهلت، به زبانی قابل فهم و به تفصیل، از نوع و علت اتهام وارد بر خود مطلع شود؛

ب) از فرصت و تسهیلات کافی جهت تمهید دفاعیه خود بهره‌مند شود؛

ج) شخصاً، خود یا با همکاری وکیل مدافع منتخب، دفاع به‌عمل آورد و چنانچه تمکن مالی جهت پرداخت حق‌الوکاله وکیل مدافع نداشته باشد در صورتی که منافع عدالت اقتضا کند بتواند به‌طور مجانی از مشاوره وکیل تسخیری بهره‌مند شود؛

د) شهودی را که علیه او شهادت داده‌اند شخصاً یا توسط دیگری (وکیل مدافع) مورد پرسش قرار دهد و احضار و پرسش از شهود له راه، تحت همان شرایط احضار و پرسش از شهود علیه، به‌دست آورد.

ه) چنانچه متوجه زبان مورد استفاده در دادرسی نشود یا بدان تکلم ننماید، از معاضدت یک مترجم، به‌طور رایگان، بهره‌مند شود.»

83. Lawless.

استناد قانونی خاص در یک کمپ نظامی تحت بازداشت قرار می‌گیرد. در طول این مدت او هرگز نزد قاضی هدایت نمی‌شود. در رسیدگی به شکایت لالس، دیوان مؤکداً بر این امر تصریح می‌کند که حق برخورداری از امتیازات مندرج در مواد ۵، ۶ و ۷ کنوانسیون شامل حال «همه افراد» می‌گردد، حتی اگر فرد «تروریستی» باشد که با دولت متعاقد خصومت پیشه کرده است.^{۸۴} علاوه بر این، بند (۳) از بخش (IX) خطوط راهنمای شورای اروپا در مورد حقوق بشر و مبارزه با تروریسم مقرر می‌نماید:

« ضرورت جنگ علیه تروریسم در عین حال نمی‌تواند محدودیتهای معینی را به حق دفاع مخصوصاً در رابطه با:

۱- ترتیبات برای دسترسی و تماس با وکیل؛

۲- ترتیبات برای دسترسی به متن پرونده؛

۳- استفاده از شهود بی‌نام ایجاد نماید.»^{۸۵}

البته دیوان اروپایی حقوق بشر بعد از قضیه لالس قدری در رویه خود با انعطاف عمل کرده و تشخیص داده است که مبارزه مؤثر علیه تروریسم مستلزم آن است تا بعضی تصمیمات یک دادرسی منصفانه بتوانند با قدری انعطاف تفسیر شوند.^{۸۶} برای نمونه دیوان استفاده از شهود بی‌نام را همیشه غیرمنطبق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نمی‌داند.^{۸۷} در موارد معینی مانند تروریسم، شهود باید در برابر هرگونه خطر احتمالی تلافی جویانه‌ای که می‌تواند حیات، آزادی یا سلامتی آنها را در معرض خطر قرار دهد حمایت شوند.^{۸۸} در قضیه‌ای دیوان چنین اظهارنظر می‌نماید:

« دیوان علی‌الاصول و مشروط به اینکه حقوق دفاعی رعایت شود، به مقامات پلیس اجازه می‌دهد تا در صورت تمایل، هویت مأمور به‌کار گرفته شده در فعالیتهای پنهانی را به‌خاطر حمایت از او یا خانواده‌اش و برای اینکه به عملیتهای آینده وی لطمه‌ای وارد نیاید، افشا نمایند.»^{۸۹}

۸۴. دکتر آشوری، محمد، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، پیشین، ص ۳۳۰.

85. Council of Europe, Committee of Ministers, Guidelines of Human Rights and the Fight against Terrorism, 2002, p. 28.

86. *Ibid.*

87. *Ibid.*

88. *Ibid.*

89. Van Mechlen and Others v. the Netherlands, 23 April 1997, para. 57.

بنابراین رویه کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی در نام نبردن از شهود بنا به دلایل امنیتی و جاسوسی که در پرونده‌های تروریستی وجود دارد مغایرتی با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضائی دیوان ندارد.

همچنین علاوه بر امکان بی‌نام بودن شهود در پرونده‌های تروریستی، دیوان جلوگیری از مکاتبه بین یک زندانی تروریست و وکیل او را در موارد معینی امکان‌پذیر دانسته است.^{۹۰} رویه قضائی دیوان بر مکانیسم‌های جبرانی پافشاری می‌نماید، تا دولتها از اقداماتی که در جنگ علیه تروریسم انجام می‌دهند و از اساس با دادرسی منصفانه مغایر است اجتناب نمایند.^{۹۱} در خصوص موضع نظام حقوقی انگلیس در مورد دسترسی متهم به دلایل جمع‌آوری شده علیه او باید اظهار داشت که این یک اصل مهم به‌موجب سیستم بریتانیایی عدالت کیفری است که همه دلایل باید در حضور متهم و در یک جلسه علنی به‌منظور رسیدگی توافقی ارائه شوند. به‌موجب این سیستم متهم معمولاً حق دارد تا همه دلایل را ملاحظه نماید، حتی اگر دادستان (مقام تعقیب‌کننده) به آن استناد نماید.^{۹۲}

ارائه دلایل به عموم می‌تواند به منافع یک دادرسی توافقی منصفانه خدمت نماید، اما در عین حال این امر می‌تواند، در صورتی که منابع اطلاعاتی مربوطه را آشکار نماید، مخل مصلحت عمومی باشد و همچنین توانایی برای گردآوری اطلاعات را مختل نماید.^{۹۳} این در حالی است که یک نفع عمومی آشکار در تعقیب تروریستها وجود دارد.^{۹۴}

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در این مورد اظهار می‌دارد:

«این امر می‌تواند ضروری باشد تا دلیل معینی را از دفاع توسط متهم برای حفظ حقوق اساسی اشخاص دیگر یا برای تضمین یک نفع عمومی حذف نماییم. در هر حال تنها آن اقدامات محدودکننده دفاعی که قطعاً ضروری هستند به‌موجب بند (۱) ماده ۶ مجاز می‌باشند».^{۹۵}

البته این وظیفه دیوان نیست تا در وهله نخست ارزیابی نماید که آیا تحدید حقوق دفاعی متهم قطعاً ضروری بوده یا خیر؟ در قضیه‌ای دیوان اروپایی حقوق بشر ابراز یا عدم ابراز دلیل به متهم را در صلاحیت دادگاههای ملی می‌داند.^{۹۶}

90. See Erdem v. Germany, 5 July 2001, para. 65.

91. Van Mechlen and Others v. the Netherlands, *op.cit.*, para. 54.

92. Privy Counsellor Review Committee, *op.cit.*, p. 61, para. 228.

93. *Ibid.*, p. 61, para. 229.

94. *Ibid.*

95. Van Mechlen and Others v. the Netherlands, para. 58.

96. Rowe and Davis v. United Kingdom, 16 February 2000, paras. 60-62.

به موجب بخش ۶ قانون کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی (۱۹۹۷)، در مواردی که ملاحظات امنیتی ایجاب می‌نماید که خواهان و وکیل او در جریان محاکمات حاضر نباشند، کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی می‌تواند یک وکیل مستقل را انتخاب نماید تا حقوق خواهان را در این مواقع مورد حمایت قرار دهد. این رویه به رویه «شخص منتصب»^{۹۷} موسوم است.^{۹۸} همچنین در مواقعی که وکیل از دلیل محرمانه‌ای که بر علیه متهم ارائه شده مطلع گردد، دیگر نمی‌تواند با مظنون یا وکیل او ارتباط داشته باشد و این بدین معنی است که مظنون و وکیل او در چنین مواردی دیگر نمی‌توانند به دلیل و شواهدی که امکان دارد بر علیه مظنون اقامه شود دسترسی داشته باشند.^{۹۹}

این در حالی است که به موجب جزء (ب) بند (۳) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، متهم باید زمان و تسهیلات کافی برای ارائه دفاعیه و ارتباط با وکیل خود را داشته باشد. به موجب تفسیر عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق بشر (۱۹۸۴) «آنچه زمان کافی است به شرایط هر پرونده موقوف است، اما تسهیلات باید شامل دسترسی به اسناد و ادله دیگری که متهم برای ارائه دفاعیه خودش نیاز دارد و همچنین فرصت برای استخدام و به‌کارگیری وکیل باشد. وکلا باید بتوانند موکلان خود را مطابق با استانداردهای حرفه‌ای احراز شده‌شان، مشاوره و نمایندگی کنند و تصمیم‌گیری باید بدون هرگونه محدودیت، اعمال نفوذ، فشار یا مداخله غیرموجه از جانب هر طرف انجام شود».^{۱۰۰}

با ملاحظه مطالب فوق مشخص می‌شود که قانون ضد تروریسم، در مقابل محدودیتهایی که بر حقوق دفاعی متهم نسبت به یک دادرسی منصفانه وارد نموده، راه حل جبرانی مناسبی را ارائه نداده تا هم انطباق با ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آن‌گونه که رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر آن را تفسیر نموده تأمین شود و هم به اصل تساوی سلاحها که یک قاعده بنیادین در سیستم ترافی رسیدگی به دعاوی به موجب نظام حقوقی انگلیس است احترام گذارده شود.

بند سوم - ارزیابی دلایل به کار گرفته شده توسط کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی

استاندارد دلیل به کار گرفته شده در رویه کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی بسیار پایین است. بدین ترتیب که استاندارد دلیلی که کمیسیون بر مبنای آن رسیدگی می‌کند و در نهایت به

97. Person Appointed.

98. Colin Warbrick, *op.cit.*, p. 1010.

99. SIAC (Procedure) Rules 2003, Rule 36.

100. General Comment No.13, (Art.14) 198, para. 9.

این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا تأییدیه صادره از سوی وزیر کشور مشروع است یا خیر «اعتقاد و سوءظن معقول»^{۱۰۱} است و نه «ماحصل احتمالات»^{۱۰۲} که از استاندارد «ورای هرگونه شک معقول»^{۱۰۳} نیز دارای ارزش حقوقی کمتری است.^{۱۰۴} این در حالی است که بر اساس حقوق انگلستان، قاضی در امور جزایی مکلف است بر مبنای قاعده «فراسوی هرگونه تردید معقول» که ریشه در کامن‌لا دارد تصمیم‌گیری نماید. در امور مدنی نیز تصمیم‌گیری بر مبنای قاعده «ماحصل احتمالات» است.^{۱۰۵}

در واقع به موجب قانون ضد تروریسم، مسئولیت وزیر کشور در اثبات دست داشتن یک شخص در فعالیتهای تروریستی بسیار پایین است. همچنین قواعد جاری کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی، وزیر کشور را متعهد نکرده است تا همه دلایلی را که توانسته به سوءظن او کمک نماید، حتی به شکل اختصاری ارائه کند.^{۱۰۶}

مبحث ششم

ارزیابی دلایل مورد استفاده در رسیدگی به پرونده‌های تروریستی به موجب قانون ضد تروریسم

بند اول - ارزیابی استفاده از اطلاعات محرمانه در دادگاههای انگلیس

در ابتدا ضروری به نظر می‌رسد تا تعریفی از «دلیل» ارائه دهیم. در دایرةالمعارف بریتانیکا، «دلیل» در لغت به معنی راهنما و نشانه است و در اصطلاح وقایعی است که به ذهن کسی متبادر می‌شود تا به یاری آنها بتواند در موضوع مورد اختلاف اتخاذ تصمیم نماید.^{۱۰۷} به طور کلی «دلیل» در امور کیفری عبارت است از: «هر وسیله قانونی که مقامات قضائی را در کشف حقیقت و حصول اقناع وجدانی و اتخاذ تصمیم عادلانه یاری بخشد».^{۱۰۸} دولت انگلیس موضوع ممنوع نبودن استفاده از مکالمات مورد بازرسی به عنوان دلیل در

101. Reasonable Belief and Suspicion.

102. A Balance of Probabilities.

103. Beyond all Reasonable Doubt.

104. Privy Counsellor Review Committee, *op.cit.*, p. 52, para. 187.

105. Counter-Terrorism Policy and Human Rights: Draft Prevention of Terrorism Act 2005 (Continuance in force of Sections 1 to 9) Order 2006, p. 19, para. 59.

106. Privy Counsellor Review Committee, *op.cit.*, para. 181.

۱۰۷. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۱۹۹.

۱۰۸. همان، ص ۲۰۱.

دادگاهها را، زمانی که قانون تنظیم اختیارات تفتیشی (۲۰۰۰)^{۱۰۹} را جایگزین قانون بازرسی مکاتبات ۱۹۸۵^{۱۱۰} نمود، نپذیرفت.^{۱۱۱}

نکته جالب توجه آن است که در حال حاضر انگلستان و ایرلند تنها کشورهای غربی هستند که ممنوعیت استفاده از مکالمات بازرسی شده به عنوان دلیل در دادگاهها را حفظ کرده اند.^{۱۱۲} با این حال اجماع قابل توجهی وجود دارد که این ممنوعیت یک واکنش نامتناسب نسبت به نگرانی به حق ناشی از افشای منابع یا روشهای جاسوسی است. دولت انگلیس استدلال می نماید که در زمان حاضر تعقیب بعضی از اشخاصی که به دست داشتن آنها در تروریسم مظنون است میسر نیست، زیرا دلایل محرمانه قانوناً نمی توانند در دادگاهها مورد استفاده واقع شوند.^{۱۱۳} با توجه به اینکه تهدید از جانب تروریسم باید از طریق سیستم عدالت کیفری برآورده شود،^{۱۱۴} برطرف نمودن چنین ممنوعیتی امکان تعقیب مظنونان تروریستی را به نهادهای قضائی می دهد و در نتیجه از بسیاری از اقدامات خودسرانه قوه مجریه در زمینه مبارزه با تروریسم جلوگیری می نماید. دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در مورد اینکه آیا می توان از اطلاعات محرمانه در رسیدگی های قضائی استفاده نمود یا خیر مثبت است. دیوان در قضیه ای چنین اظهار می دارد:

«دیوان در وهله نخست نظر مثبت خودش را در خصوص استفاده از اطلاعات محرمانه در مبارزه با خشونت و تروریسم تکرار می نماید».^{۱۱۵} با این حال دیوان نظارت دادگاههای داخلی و نهادهای کنوانسیون را شرط اعمال این اختیار می داند. «در هر حال این بدان معنی نیست که مقامات تحقیق به موجب ماده ۱ چک سفید دارند تا مظنونان را برای بازجویی بدون کنترل مؤثر توسط دادگاههای داخلی یا توسط نهادهای نظارتی کنوانسیون، در زمانی که آنها (مقامات) ادعا می کنند که مظنونان در اقدامات تروریستی دست داشته اند، دستگیر نمایند».^{۱۱۶}

علاوه بر این، اصل تحصیل آزادانه دلیل که در امور کیفری بر خلاف امور مدنی به منظور مبارزه مؤثر علیه بزهکاری پذیرفته شده است^{۱۱۷} نیز تأییدی بر این امر است که می توان از دلایل

109. Regulation of Investigatory Powers Act 2000.

110. Interception of Communications Act 1985.

111. Privy Counsellor Review Committee, *op.cit.*, p. 57, para. 209.

112. HUMAN RIGHTS WATCH, Commentary on Prevention of Terrorism Bill 2005: Prosecution as the Preferred Approach, March 2005, p. 1, www.hrw.org.

113. *Ibid.*, p. 1.

114. HUMAN RIGHTS WATCH, Commentary on Prevention of Terrorism Bill 2005: Summary, March 2005, p. 1, www.hrw.org.

115. *Klass and Others v. Germany*, 6 September 1978, Series A, No. 28, p. 23, para. 48.

116. *Murray v. UK*, 28 October 1994, para. 58.

۱۱۷. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۲۲.

محرمانه در رسیدگی‌های کیفری در صورتی که منع قانونی نداشته باشد^{۱۱۸} و آن دلیل نیز به طریق قانونی تحصیل شده باشد،^{۱۱۹} استفاده نمود.

بند دوم - ارزیابی استفاده از دلایل حاصل از شکنجه در محاکم انگلیس

موضوع دیگری که باعث بروز نگرانی‌هایی شده، آن است که امکان دارد بعضی از موضوعات که وزیر کشور برای اثبات سوءظن خود به آنها استناد کرده است، از طریق شکنجه یا رفتارهای دیگر مغایر با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حاصل شده باشد.^{۱۲۰} کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی دیدگاه غیرقابل پذیرشی را در مورد ارزش و قابلیت استماع دلایلی که به این نحو حاصل شده‌اند اتخاذ کرده است.^{۱۲۱} به عقیده کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی هیچ قاعده‌ای وجود ندارد تا مستثنا کردن این دلایل را مقرر نماید.^{۱۲۲} به این ترتیب وزیر کشور می‌تواند به چنین اطلاعاتی استناد نماید. براساس این دیدگاه دلایلی که وزیر کشور از طریق شکنجه جمع‌آوری کرده، در صورت صحت آنها، معتبر است.^{۱۲۳}

لازم به ذکر است که در برخی موارد در عمل ملاحظه می‌شود، دلیلی که بدون رعایت ضوابط قانونی یا ضمن نقض آن ضوابط تحصیل شده در به اثبات رساندن جرم بسیار اهمیت دارد.^{۱۲۴} در خصوص ارزش اثباتی چنین دلایلی، مقررات یکسانی در کشورهای مختلف وجود ندارد و رویه قضائی از تشتت فراوانی برخوردار است.^{۱۲۵} در بین کشورهای اروپای غربی، ایتالیا در ماده ۱۹۸ آیین دادرسی کیفری خود سرسخت‌ترین موضع را در ارتباط با دلایل تحصیل شده از طریق غیرقانونی اتخاذ کرده است: «دلیلی که با نقض ممنوعیت‌های قانونی تحصیل شود فاقد اعتبار است».^{۱۲۶}

در انگلیس ممنوعیت مطلقی در خصوص استفاده از دلایلی که به طریق غیرقانونی به دست آمده‌اند، وجود ندارد. ماده ۷۸ «قانون ادله کیفری» ۱۹۸۴^{۱۲۷} در خصوص دلایلی که از طریق

۱۱۸. همان.

۱۱۹. همان.

120. Colin Warbrick, *op.cit.*, p. 1011.

121. *Ibid.*

122. *Ibid.*, p. 1012.

123. *Ibid.*

۱۲۴. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۲۹.

۱۲۵. همان.

۱۲۶. همان، ص ۲۳۰.

127. Criminal Evidence Act 1987.

غیرقانونی (مانند عدم حضور وکیل مدافع در تحقیقات پلیس) تحصیل شده باشند، دادگاهها را مجاز به معتبر شناختن یا رد این گونه دلایل دانسته است و ظاهراً دادگاههای انگلیس خیلی تمایل به مردود نمودن قراین محکمی که به طرق غیرقانونی تحصیل شده باشند، ندارند.^{۱۲۸}

اما در خصوص رویه کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی در مورد پذیرفتن دلایلی که از طریق شکنجه یا رفتارهای دیگر در مغایرت با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر حاصل شده‌اند، این موضوع با مشروعیت شکنجه ملازم می‌یابد که به موجب ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌طور مطلق ممنوع شده است. اهمیت ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز تا بدان جاست که ماده ۲(۲) کنوانسیون ملل متحد علیه شکنجه (۱۹۸۴) تصریح می‌نماید که هیچ‌گونه وضعیت استثنائی، خواه یک وضعیت جنگی یا یک تهدید جنگی، تغییرات سیاسی در ثبات داخلی یا هر وضعیت اضطراری عمومی دیگری نمی‌تواند به‌عنوان توجیه شکنجه استناد شود. تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق بشر (۱۹۹۲) نیز بر استثناء ناپذیری این ممنوعیت تأکید می‌ورزد.^{۱۲۹}

امروزه اصل احترام به حقوق و آزادیهای اساسی بشر در زمره مصادیق بارز قواعد آمره از نظر حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند.^{۱۳۰} بدون شک یکی از حقوق بنیادین بشر ممنوعیت شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای غیرانسانی و تحقیرآمیز است که به موجب کلیه اسناد بین‌المللی مربوطه اعمال آن به هر شکلی ممنوع گردیده و هیچ‌گونه توجیه یا استثنائی نیز برای توسل به آن وجود ندارد و در زمره قواعد غیرقابل تعلیق خواه به موجب میثاق یا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌شمار می‌رود. تفسیر عمومی شماره ۲۹ کمیته حقوق بشر (۲۰۰۱) نیز در تأیید این موضوع چنین اظهار می‌نماید:

«اعلام مقررات معین میثاق در بند (۲) ماده ۴ که دارای یک ماهیت غیرقابل تعلیق می‌باشند شناسایی‌کننده ماهیت آمرانه بعضی حقوق اساسی ارج نهاده شده در چارچوب معاهده میثاق است.»^{۱۳۱}

«بنابراین دولتهای عضو در نبرد علیه تروریسم هرگز نباید در مغایرت با قواعد آمره حقوق بین‌الملل و همچنین حقوق بین‌الملل بشردوستانه در جایی که قابل اعمال است، عمل نمایند.»^{۱۳۲}

۱۲۸. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۳۰.

129. General Comment No. 20, *op.cit.*, para. 3.

۱۳۰. دکتر ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴، چ دوم، ص ۲۳۳.

131. General Comment No. 29, *op.cit.*, para. 11.

132. Council of Europe, Committee of Ministers, *op.cit.*, p. 39.

با توجه به توضیحات فوق و نظر به اهمیتی که قاعده ممنوعیت شکنجه در حقوق بین‌الملل دارد، ماده ۱۵ کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) مقرر نموده است:

« هر دولت عضو باید تضمین نماید که هرگونه اقراری که ثابت شده در نتیجه شکنجه حاصل شده است، نباید به‌عنوان دلیل در هر مرحله از محاکمات مورد استناد واقع شود، مگر علیه شخص متهم به شکنجه به‌عنوان دلیلی که این اظهاریه (بدین نحو) تحصیل شده است.»

تفسیر عمومی شماره ۲۰ کمیته حقوق بشر (۱۹۹۲) نیز این موضوع را که قانون باید قابلیت استماع اظهارات یا اقراری را که از طریق شکنجه یا دیگر رفتارهای ممنوعه حاصل شده‌اند ممنوع کند مورد تأکید قرار داده است.^{۱۳۳}

در حقوق داخلی انگلیس نیز همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، اگرچه ممنوعیت مطلق در استفاده از دلایلی که به طریق غیرقانونی تحصیل شده‌اند وجود ندارد، ولی به‌موجب ماده ۷۶ «قانون ادله کیفری» ۱۹۸۴ استفاده از اقراری که نتیجه اعمال فشار باشد ممنوع اعلام شده است. از این قاعده در حقوق آنگلوساکسون به‌عنوان «ممنوعیت اجبار متهم به ادای شهادت علیه خود» تعبیر شده است.^{۱۳۴}

علاوه بر این، حتی اگر چنین ممنوعیتی در حقوق داخلی انگلیس نیز وجود نمی‌داشت، از آنجایی که انگلستان در زمره کشورهای است که از نظریه «یگانگی حقوقی» با برتری حقوق بین‌الملل قراردادی بر «حقوق داخلی» پیروی می‌کند،^{۱۳۵} در صورتی که تعارضی میان قواعد حقوق داخلی با تعهدات بین‌المللی آن کشور حادث شود، دادگاه‌های انگلستان تفوق را به حقوق بین‌الملل می‌دهند و تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی را بر قواعد حقوق داخلی مقدم می‌دارند.

بنابراین، رویه اخیر دولت انگلستان در مورد پذیرش دلایل حاصله از طریق شکنجه و سایر رفتارهای مغایر با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در موارد تروریستی با تعهدات بین‌المللی آن کشور و اساساً با جوهره نظام حقوقی بریتانیا در تعارض آشکار قرار دارد.

133. General Comment No. 20, *op.cit.*, para. 12.

۱۳۴. دکتر آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۰۹.

۱۳۵. دکتر ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، ج هجدهم، ص ۷۶.

نتیجه‌گیری

در پایان با توجه به بررسی انطباق یا عدم انطباق قانون ضدتروریسم ۲۰۰۱ انگلیس با موازین حقوق بشری مطالب ذیل را نتیجه‌گیری می‌نماییم:

۱- در مورد صدور اعلامیه تعلیقی از جانب انگلستان نسبت به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر باید متذکر گردیم که حتی اگر صدور اعلامیه‌های تعلیقی به دلیل بازداشت بدون چشم‌انداز فوری یا بازداشت پیشگیرانه مشروع باشد، رویه تبعیض‌آمیزی که به موجب این قانون نسبت به اتباع بریتانیایی و غیربریتانیایی در پیش گرفته شده در مغایرت آشکار با تعهدات انگلستان به موجب اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر است.

۲- در خصوص اختیار وزیر کشور در صدور تأییدیه، با توجه به تحدیداتی که در اثر آن بر حقوق و آزادیهای فردی مظنون اعمال می‌شود، این امر با موازین عدالت‌سازگاری ندارد، زیرا اختیار تحدید حقوق و آزادیهای فردی معمولاً باید به یک نهاد بی‌طرف که قاعدتاً نهاد قضائی هر کشوری می‌باشد تفویض گردد.

۳- رویه تبعیض‌آمیزی که به موجب قانون ضدتروریسم در مورد اتباع بیگانه در پیش گرفته شده، هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ عملی غیرقابل توجیه است و با تعهدات بین‌المللی انگلستان راجع به ممنوعیت اعمال هرگونه تبعیض نیز مغایر می‌باشد.

۴- عدم توجه قانون ضدتروریسم نسبت به ضرورت تفهیم اتهام و معقول بودن مدت بازداشت، با استانداردها و موازین حقوق بشری که در این زمینه وجود دارد منافی است و سبب آن می‌گردد که مظنون به‌طور خودسرانه و به مدت طولانی از آزادی محروم شود.

۵- عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های مطروحه نزد کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی فرصت نیل به حقیقت را از میان می‌برد و لزوم رعایت اصل تساوی سلاحها میان طرفین دعوا را مخدوش می‌نماید و نهایتاً در اغلب موارد منجر به صدور احکام غیرعادلانه از سوی کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی می‌گردد.

۶- از میان برداشتن ممنوعیتی که در استفاده از دلایل محرمانه در رسیدگی‌های کیفری نزد دادگاهها وجود دارد این امکان را به دستگاه عدالت کیفری بریتانیا می‌دهد تا در تعقیب مظنونان تروریستی نقش فعالی را ایفا نماید و از اقدامات خودسرانه قوه مجریه جلوگیری کند. همچنین رویه‌ای که درباره پذیرش دلایل حاصله از شکنجه توسط کمیسیون ویژه استیناف مهاجرتی اتخاذ شده در مغایرت آشکار با قواعد بنیادین حقوق بشری راجع به ممنوعیت شکنجه است.